



گفتاری از آیت الله جوادی آملی؛ استقامت و پایداری امام صادق (ع)، اصل اسلام را حفظ کرد

قوام مکتب تشیع با پایه‌ریزی بنیادین و مستحکم صادق آل محمد(ع) و پدر بزرگوارشان شکل گرفت و شیعیان و پیروان ایشان مفتخر به شاگردی این مکتب والا آن هم در محضر مفسران وحی الهی‌اند.

قوام مکتب تشیع با پایه‌ریزی بنیادین و مستحکم صادق آل محمد(ع) و پدر بزرگوارشان شکل گرفت و شیعیان و پیروان ایشان مفتخر به شاگردی این مکتب والا آن هم در محضر مفسران وحی الهی‌اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله جوادی آملی درباره پاره ای از ویژگی های علمی و عملی امام صادق(ع) است که از نظر می گذرد.

قوام مکتب تشیع با پایه‌ریزی بنیادین و مستحکم صادق آل محمد(ع) و پدر بزرگوارشان شکل گرفت و شیعیان و پیروان ایشان مفتخر به شاگردی این مکتب و آن هم در محضر مفسران وحی الهی‌اند.

امام صادق (ع) تنها بر تشکیل حوزه علمیه و بیان حکم فقهی بسنده نکردند بلکه ایشان با ملحدان از یک سو و با مشرکان و با امویان و عباسیان از سوی دیگر به مبارزه برخاستند و ضمن معرفی نظام اسلامی با استقامت و پایداری این نظام را حفظ کردند.

وجود مبارک امام صادق(ع) که رئیس مذهب ماست، مشابه همان کار و برنامه ای را که رسول گرامی (ص) در زمان خود انجام داد ، بر عهده داشته است.

وجود مبارک رسول گرامی(ص) قیام کرد، هم مشکلات محلی و ملی را و هم مشکلات منطقه‌ای را و هم مشکلات جهانی را حل کرد. همان مشکلی که وجود مبارک پیامبر داشت و مشکل‌گشایی که به دست رسالت رسول اکرم انجام شد، همان مشکل در زمان امام صادق(ع) بود و همان مشکل‌گشایی به دست امام صادق(ع) حل شد.

مشکلات اعتقادی مردم حجاز، مجاوران حجاز و جهان معاصر در ابتدای بعثت پیامبر اسلام، الحاد ، شرک و مشوبیت اعتقادی و مانند آن بود؛ در عصر امام صادق(سلام الله علیه) هم همین مشکلات محلی و ملی از یک سو، منطقه‌ای از سوی دیگر و بین‌المللی از سوی سوم وجود داشت.

این نبود که امام صادق (ع) تنها حوزه علمیه داشته باشد و رئیس مذهب باشد و حکم فقهی بیان کند؛ او با ملحدان از یک سو، با مشرکان از سوی دیگر، با کسانی که مشوبیت اعتقادی و اخلاقی داشتند از سوی دیگر، با امویان و عباسیان از سوی دیگر به مبارزه برخاست و ضمن معرفی نظام اسلامی، با استقامت و پایداری این نظام را حفظ کرد.

از وجود مبارک امام صادق(ع) سؤال کردند که اینکه شما فرمودید خدای سبحان همه کارها را در اختیار بشر قرار داد «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ تَقْسَهُ» یعنی چه؟ ایشان فرمودند: خدا به افراد اجازه نداد که خودشان را ذلیل و فرومایه کنند. اگر چیزی را امضا کنند که ذلت ملت در اوست، در حالی که دولت و ملت و رهبری امت با این کار مخالف هستند، بر اساس همین منش است؛ این مکتب امام صادق است که دارد کشور را اداره می‌کند. فرمود آن تعهد، آن کنوانسیون، آن میثاق، آن پیمان، آن «ان‌پی‌تی» و آن کاری که باعث ذلت یک مملکت است را انجام ندهید، خدا چنین کاری را اجازه نداده است.

از حضرت سؤال کردند انسان خودش را ذلیل کند یعنی چه؟ فرمود آبروی انسان برای انسان نیست. انسان کاری بکند که «مسلوب‌الحيثیه» شود این شخص معصیت کرده است! به ما گفتند آبرو، امانت الهی است؛ مثل جان، بعد فرمود راه آبروریزی و یکی از مصادیق آبروریزی و یکی از مصادیق ذلت نفس که حرام است این است که انسان سیمتی را قبول کند که نتواند آن را اداره کند. اگر شما می‌بینید در کشوری کسی سیمتی دارد و نمی‌تواند آن را اداره کند این کار می‌شود معصیت.

اگر کسی مسئولیتی را قبول کرد و نمی‌تواند آن را اداره کند، اول باید عاقلانه بگوید من نمی‌توانم و بعد وقتی هم که فهمید فوراً استعفا دهد. اگر حوزوی است بخواهد تدریس کند، باید مدرّس لایق باشد؛ اگر دانشگاهی است بخواهد استاد باشد، باید استاد ماهر باشد و اگر مسئول سیاسی، اجتماعی، اخلاقی است باید مدیر و مدبّر کارآمد باشد.